



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بشواری - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

سیاست مبارزاتی در زمانه‌ی پاندمی

ساندرو مزادرا

ترجمه‌ی: کاووس بهزادی



اردیبهشت ۱۳۹۹

وضعیت اضطراری، ممنوعیت رفت و آمد، شورش در زندان‌ها و اعتصابات: ایتالیا مرکز اصلی پاندمی. تمام این رویکردها چه معنایی برای جنبش‌ها، مبارزات اجتماعی و خود چپ‌ها دارند؟

«من از بولونیا، در ایتالیا در شرایط قرنطینه می‌نویسم. تنها زندگی می‌کنم و این مساله انزوا را دشوارتر می‌کند. دوستانم از برگامو و برسکیا، مراکز اصلی اپیدمی به من تلفن می‌زنند و داستان‌های دهشت‌آفرینی از مرگ و ابتلای توده‌وار تعریف می‌کنند. من سعی می‌کنم ایستادگی کنم و از تمام ابزارهای فنی که در اختیار دارم برای ادامه‌ی زندگی اجتماعی‌ام استفاده کنم. خیلی مطالعه می‌کنم و می‌نویسم. مقاله‌ای که در پیش‌رو دارید بایستی به‌عنوان تمرین مقاومت، تلاشی برای دنبال کردن راهنمای مبارزات برای آزادی و برابری حتی در این زمانه‌ی ناگوار مدنظر گرفته شود.»

زمان انتظار طولانی در مقابل داروخانه‌ها و صف‌های طولانی جلوی سوپرمارکت‌ها: ماجراهایی از این دست در ایتالیا مدت‌هاست که دیگر عادی شده‌اند و تصویری از چگونگی تغییر جامعه‌ی ما به واسطه‌ی گسترش ویروس کرونا بدست می‌دهند. به بیان دقیق‌تر اپیدمی و اقدامات اجرایی دولت‌ها در واقع تعمیق‌بخش برخی گرایش‌های از مدت‌ها پیش موجود شده است. دهه‌ها سیاست رعب و وحشت تأثیرات خود را برجای گذاشته است، تاثیری که بیش از پیش در ترس از تماس با دیگران، نگاه‌های مظنون برای رعایت فاصله‌ی امن به چشم می‌خورد. بی‌شک این ترس‌ها نیروهای مسلط بر زندگی ما را تقویت می‌کنند و یادآوری این نکته بجاست که اقدامات اتخاذشده توسط دولت، آن‌نحو که درحال حاضر مقرر شده، زردخانه‌ای است در چارچوب امکانات سیاسی [موجود]. با این حال هم‌هنگام تصاویر دیگری پای‌گرفته‌اند با معانی نهفته‌ی کاملاً متفاوتی: مردم در خیابان به یکدیگر لبخند می‌زنند، از ایوان خانه‌ها موسیقی نواخته می‌شود و همه‌جا سرشارست از احساس همبستگی، آن‌هم نه فقط با پزشکان و پرستاران، بلکه هم‌چنین با کارگران اعتصابی در کارخانه‌ها که برای حقوق‌شان، برای استانداردهای بهداشتی شرایط کاری خود مبارزه می‌کنند.

به‌نظر می‌رسد که بحث و گفتگو بین جنبش‌های اجتماعی و چپ‌ها در این روزها ترجیحاً روی نخستین جنبه، یعنی مکانیسم کنترل در وضعیت فوق‌العاده متمرکز شده است. حتی بدون درنظرگرفتن مواضع فیلسوفان مطرحی که درحال تبدیل‌شدن به ویروس‌شناس و متخصصان اپیدمی هستند، به‌نظر می‌رسد در بسیاری از مداخلات نوعی شک و تردید نسبت به ویروس کوید - ۱۹ و خطر واقعی آن وجود دارد. به‌زعم من این موضع کاملاً گمراه‌کننده است. برعکس: بحث و گفتگو بایستی از این واقعیت حرکت کند که همه‌گیری بیماری ویروس کرونا هم تهدیدی برای سلامتی و زندگی میلیون‌ها نفر از مردم (به‌ویژه افراد سالخورده و سایر افراد در معرض خطر) و هم برای پایستگی سیستم درمانی است. در این نکته نباید شک و تردید داشت.

در صورت مصداق‌داشتن این موضوع، ویروس کرونا تهدیدی برای آن چیز بنیادینی است که آن را در بحث‌هایمان به‌عنوان «امر مشترک» قلمداد کردیم. دیرپایی اپیدمی نشان‌دهنده‌ی شکنندگی و بلاتکلیفی کل

مساله و ضرورت کار پیراستاری [Care-Arbeit/Care-Work] است که در سال‌های اخیر به‌ویژه در بحث‌های فمینیستی روی آن تاکید شده است. بدون فراموش کردن مساله‌ی کنترل می‌خواهم با اختیار کردن و پسین چشم‌انداز اشاره‌شده، پیرامون آن چه تامل کنم که هم‌اکنون در ایتالیا، اروپا و جهان اتفاق می‌افتد.

اثرات اقتصادی ویروس کرونا بی‌مانند است. برای نخستین بار پس از دهه‌ها بحرانی که آغازگاهش در «اقتصاد طبیعی» است، تأثیرات بسیار شدیدی روی بازارهای مالی جهان گذاشته و بانی خسارات بی‌سابقه‌ای شده است. با توجه به جهانی‌بودن سرمایه‌داری، به‌نظر می‌رسد استعاره‌ی «ناتوان‌سازی» مناسب‌ترین راه‌کار برای شفافیت‌بخشی وضعیت کنونی باشد. بحران آینه‌وار، تصویری واژگونه از سرمایه‌داری منعکس می‌کند که چرخه‌های ارزش‌افزایی و انباشت آن کاملاً به حرکت خستگی‌ناپذیر سرمایه، کالاها و انسان‌ها بستگی دارند. به‌نظر می‌رسد زنجیره‌های تحویل که داربست آمادگاری (لژیستیک) و زیرساخت جهانی‌سازی سرمایه‌دارانه را می‌سازند، این روزها به‌طور گسترده مسدود شده‌اند. نرخ سهام - که از دیرباز اداره‌کننده‌ی تطویل زنجیره‌های تحویل و شبکه‌ای از کریدورها، مناطق ویژه و محل‌های تقاطع خطوط حمل و نقل است - مجبور به منظورداشتن این انسداد شده است.

نادرست نیست اگر بگوئیم که پاندمی کنونی به‌مرحله‌ای رسیده است که هیچ بازگشتی در بسط سرمایه‌داری جهانی وجود ندارد. من هیچ تمایلی به سناریوهای «فروپاشی» و آخرالزمانی ندارم. سرمایه‌داری قطعاً بعد از ویروس کرونا وجود خواهد داشت، اما اساساً با آنچه در گذشته‌ی نه‌چندان دور دیدیم متفاوت خواهد بود (هرچند پیشاپیش تغییرات رادیکالی بروز کرده‌اند که منشاء آن‌ها بحران مالی ۲۰۰۷ - ۲۰۰۸ است).

برای درک آنچه در ایتالیا اتفاق می‌افتد، باید چشم‌اندازی جهانی اتخاذ کنیم. در برهه‌ی کنونی بار دیگر ایتالیا نمایش‌گر خصلت «لابراتواریسمی» است، هرچند به شکلی یک‌سر متفاوت از آن در گذشته‌ی نه‌چندان دور. علی‌رغم خطر ساده‌انگاری مساله، می‌توان گفت که در برهه‌ی کنونی بدیلی صریح نمایان‌گر می‌شود: از یک سو خطی وجود دارد که می‌توانیم آن را به‌عنوان مالتوسیایی (یا عمدتاً الهام‌گرفته از داروینسم اجتماعی) تعریف کنیم، که به‌طور مثال در محور جانسون - ترامپ - بولسونارو یافت می‌شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد خطی وجود دارد که هدفش کیفیت نوینی برای سلامت عمومی به‌عنوان ابزاری اساسی برای چیرگی بر وضعیت اضطراری است (در این‌جا نمونه‌های بسیار متفاوتی از چین، کره جنوبی و ایتالیا وجود دارند). در حالت اول مرگ هزاران نفر از مردم به‌عنوان گزینش طبیعی ارزیابی می‌شود. در حالت دوم به دلایلی مشروط مساله بر سر این است که «بایستی» با درجه‌ی متغیری از اقتدارطلبی [Autoritarismus] اقتدارگرایی و کنترل اجتماعی از جامعه «محافظت» کرد.

به بیان صریح: من به هیچ‌وجه از مقررات عملی‌شده‌ی دولت ایتالیا «حمایت» نمی‌کنم. من فقط به گفتن این نکته اکتفا می‌کنم که در شرایط کنونی - در سطح جهانی - تنشی در جریان است که نه فقط تبعات بنیادین

برای آینده‌ی سرمایه‌داری دارد، بلکه هم‌چنین (دست آخر تبعات همانندی) برای زندگی ما خواهد داشت. این تنش شامل کشورهای نظیر بریتانیای کبیر، ایالات متحده و برزیل می‌شود که دولت‌های‌شان برای راه‌حلی اولویت قائل شده‌اند که من آن را به‌عنوان [راه‌حلی] «مالتوسیایی» قلمداد کردم؛ آن‌هم در کشورهای که ریشه‌ی مقاومت‌ها کاملاً اجتماعی و سیاسی است. اما این تنش هم‌چنین شامل ایتالیا می‌شود که دست‌کشیدن از کار کارگران بیان‌گر چنین مبارزه‌ای است و تصمیمات اتحادیه کارفرمایان و صنایع ایتالیا [Confindustria] بایستی پذیرفته و مطالبات فدای چیرگی تولید شوند. به‌طور کلی به نظر می‌رسد که مدیریت بحران و ویروس کرونا عرصه‌ای بنیادین از تنش‌ها است. فقط تشدید مبارزات اجتماعی (هم‌اکنون و در ماه‌های آتی) می‌تواند گشایش‌گر فضایی برای دمکراسی و «پیراستاری» از زندگی اجتماعی [Gemeinwesen] باشد. این امر هم برای ایتالیا و هم ایالات متحده صادق است.

حال سنجش این مساله ارزشمند است که کدامین سناریوهای ممکن در آینده‌ی نزدیک می‌توانند برجسته و متبلور شوند؟ ارزش بنیادین سیستم بهداشت عمومی (یعنی حق اجتماعی برای سلامتی) اکنون پیکرپاری [یا مؤلفه‌ای] است که دیگر نمی‌تواند زیر سؤال برده شود. این بدان معناست که دست‌کم تا زمان معینی طرح پیشنهادات دیگری برای صرفه‌جویی در این عرصه مشکل خواهد بود. امید است که این امر در بخش آموزش نیز بتواند اتفاق بیافتد، هرچند بی‌گمان ضروری است بکوشیم برخی از تغییرات انجام‌شده در چند هفته‌ی گذشته (آغازشده با استفاده از آموزش آنلاین) را بازگشت‌ناپذیر کنیم. بارِ کار- پیراستاری و رای بازه‌ی زمانی بحران‌ها هم‌چنان بر دوش زنان باقی خواهد ماند، حتی آن‌گاه که وضعیت کنونی فضا را برای مبارزات جدید و مذاکرات ایجاد کند. اعتصابات کارگران که در بالا به آن‌ها اشاره شد، بر امکان فراهم‌شدن کران‌های جدید اجتماعی و فعالیت اتحادیه‌ها و طرح مطالبه‌ی «درآمد برای قرنطینه» دلالت دارد. شورش‌های اخیر در زندان‌های ایتالیا (که بهای گزافی برای آن پرداخت شده) در جهانی که در سال‌های اخیر اساساً پُرابهام شده است، می‌تواند دیدپذیری و شفافیت نوینی بیافریند - و با این وجود به برخی موفقیت‌های مهم، هرچند محدود، نائل شده است. این رویکرد هم‌چنین در زندان‌های استرداد پناهجویان اتفاق افتاده که ویروس کرونا در آن‌ها استرداد را متوقف کرده است، اما نه توقیف و زندانی‌سازی را.

تکرار می‌کنم: ما با سناریوهای سروکار داریم که به حوزه‌های معینی از مبارزات جنبش‌ها اشاره می‌کنند و مطمئناً نه به اقدامات مستقیم دولت‌ها. به نظر من از جنبه‌ی روش‌مندی مهم است که از این‌جا شروع کنیم. ویروس کرونا به‌نحو ریشخندآمیزی خصلت اوهام‌گرایانه سلطه و بتوارگی مرزهای ملی را نشان داده است. این امر پیش‌شرط مناسبی برای گشایش تامل دوباره پیرامون اروپا است. بدیهی است که اتحادیه‌ی اروپا تاکنون کار زیادی انجام نداده و برخوردی متناقض و گه‌گاه زیان‌آور داشته است. اما اینک چگونه می‌توان نادیده گرفت که سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولت‌ها با اعتقاد جزمی به بودجه‌ی متوازن دیگر در حال فروپاشی است؟

همچنین گرایش‌هایی «عینی» قابل توجه‌اند که بانک مرکزی اروپا را تحت فشار گذاشته‌اند تا نقش تأمین‌کننده‌ی نقدینگی را برعهده بگیرد. این گرایش‌ها «عینی» هستند، زیرا از امیال سیاسی شخصی مستقل‌اند، اما شرایط مبارزات را در پهنه‌ی اروپا تبیین می‌کنند. این گرایش‌ها سپهری را برای مبارزات در سطح اروپا می‌سازند که در بسیاری از مناطق این قاره بسط و تکامل پیدا خواهند کرد.

در خاتمه فکر می‌کنم که دیدگاه پیشنهادشده در این‌جا برای ما امکان بررسی پاندمی کنونی را به‌نحوی فراهم می‌کند تا مرکز توجه‌مان را به گشایش فضا و میدانی برای جنبش‌ها، مبارزات اجتماعی و خود چپ‌ها متمرکز کنیم. من همان‌طور که اشاره شد مساله‌ی کنترل، گسترش اختیارات دولت و ترفیع وسیع سیاست رعب و وحشت را دست‌کم نمی‌گیرم. این جنبه‌ها در سناریوهای جاری صراحتاً موجودند. اما چگونه بایستی با آن‌ها مقابله کرد؟ بایستی پیراستاری زندگی اجتماعی را به‌مثابه نقطه‌ی عزیمت معکوس‌سازی «آزمایشگاه ایتالیایی» به مفهوم کنونی‌اش مدنظر بگیریم. علاوه بر این بایستی از امکان فراهم‌شده در وضعیت فعلی جهت اتخاذ سیاست عمومی (برای) مبارزات در دوره‌ی پاندمی استفاده کنیم.

* منبع:

Sandro Mezzadra; Eine Politik der Kämpfe in Zeiten der Pandemie

<https://www.zeitschrift-luxemburg.de/eine-politik-der-kaempfe-in-zeiten-der-pandemie/>

برگرفته از سایت «بنیاد رزا لوکزامبورگ».

برگردان مقاله از ایتالیایی به آلمانی، فیلیپ ونر. این مقاله به زبان آلمانی برای نخستین‌بار در تارنمای *medico international* منتشر شد.